

تمایز میان امر سکولار و امر عرفی

بازخوانی تفکر شیعی-ایرانی در بستر پساانقلابی ایران

سیدجواد میری



نقد فرهنگ

۱۳۹۸

• سرشناسه: میری، سیدجواد، ۱۳۵۰ -
• عنوان و نام پدیدآور: تمایز میان امر سکولار و امر عرفی؛ بازخوانی تفکر شیعی-ایرانی در بستر پساانقلابی ایران / سیدجواد میری.
• مشخصات نشر: تهران: نقد فرهنگ، ۱۳۹۸.
• مشخصات ظاهری: ۲۱/۵×۱۴/۵:۵ س.م.
• شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۸۲-۰۸-۴
• وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
• موضوع: دنیوی‌گرایی؛ دین؛ عرف
• رده‌بندی کنگ: BI ۲۷۴۶۰۰۰
• رده‌بندی دی: ۱/۶
• شماره کتابشناسی ملی: ۵۷۱۰۹۲



نقد فرهنگ

نشانی: پردیس، میدان عدالت، خ فروردین جنوبی، خ سعدی، مجتمع قائم، بلوک A2، واحد ۲۰۳

تلفن: ۷۶۲۷۶۷۴۸ | مراکز بخش: ۶۶۴۶۰۰۹۹، ۶۶۹۶۷۰۰۷، ۶۶۴۸۶۵۳۵

• نام کتاب: تمایز میان امر سکولار و امر عرفی؛ بازخوانی تفکر شیعی-ایرانی در بستر پساانقلابی ایران

• نویسنده: سید جواد میری

• نوبت چاپ: ۱۳۹۸ • سال انتشار: ۱۳۹۸ • تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

• قیمت: ۲۱۰۰۰ تومان

• شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۸۲-۰۸-۴

© کلیه حقوق محفوظ و مخصوص انتشارات نقد فرهنگ است.

فهرست

۷.....	پیش‌گفتار.....
۱.....	نگاهی به امر دینی در نسبت با امر سکولار و امر عرفی: بازخوانی امر سکولار در روایت یونس عبدالکریمی.....
۱۳.....	۲. حاکمیت دین و حادیت دینی.....
۳۵.....	۳. دین در جامعه مدرن: تأملی در باب تمایزات بین امر عرفی و امر سکولار.....
۴۷.....	۴. دین و سکولاریسم.....
۶۱.....	۵. اسلام، امروجدی و امر سیاسی: نسبت اسلام و فقه و سکولاریسم.....
۶۷.....	۶. تبدیل دین به امر ستادی، نقض غرض است.....
۷۳.....	۷. سکولار در زیست جهان اسلامی.....
۷۹.....	۸. فهم موافقان و مخالفان روشنفکری دینی بنیاد مشتاک دارد.....
۸۷.....	۹. دین و سکولاریسم.....
۹۵.....	۱۰. تبیین «روحانی و سکولار» کاتولیکی با «غیب و شهادت» قرآنی.....
۹۹.....	۱۱. جامعه‌شناسی دین.....
۱۰۵.....	۱۲. نتیجه‌گیری.....
۱۰۹.....	کتاب‌نامه.....
۱۲۱.....	

پیش گفتار

گزاره نیست، اگر گ... شود که کتاب شهریار ماکیاولی یکی از معدود آثار ارزشمندی است که در باب نسبت میان سیاست و زندگی به نگارش درآمده است. در این کتاب، ماکیاولی بر این باور است که تنها به واسطه غلبه سیاست بر زندگی است که می توان دولت را از گزند آسود... تهدیداتی که متوجه آن است صیانت کرد. ماکیاولی در کتاب شهریار... این سخن را به میان می آورد که مردم یا به تعبیر رساتر جمعیت های تشکیل دهنده... باید هیچ نقشی در جهت دهی به تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی داشته باشند و تنها این شهریار است که می تواند و می باید بر جامعه تسلط داشته باشد. از این رهگذر تداوم حیات سیاسی خویش را تضمین کند. در برابر این دیدگاه، متفکرانی چون میشل فوکو و آنتونیو گرامشی بر این باورند که تنها با از میان برداشتن شکاف میان سیاست و زندگی است که می توان به تحقق جامعه ای پویا و شکوفا امیدوار بود. فوکو که مبدع مفهومی تحت عنوان «زیست سیاست» در عرصه جامعه شناسی است، بر این باور است که در تحلیل های خویش باید سرپادشاه را بزیم؛ قدرت هم چون عمارتی نیست که بتوان آن را تصرف کرد؛ بلکه قدرت، امری متکثر، مویرگی و پراکنده در لایه های مختلف اجتماعی است و درست از این روست که فوکو به امر عرفی که نشئت گرفته از نوعی اخلاق اتوسی و جامعه محور است، علاقه وافری نشان می دهد. فوکو این سخن را به میان می آورد که جمعیت های موجود در جامعه،

حاملان و عاملان اصلی تحول و شکوفایی هستند و دولت به جای آنکه درصدد بهره‌گرفتن از تکنولوژی حاکمیتی جهت سرکوب جامعه و امر عرفی باشد، می‌باید از تکنولوژی حکومت‌مندی که درصدد پیوند میان سیاست و تجربه زیسته مردم به مثابه امر عرفی و اخلاق اتوسی (جامعه‌محور) است بهره‌جوید. در عرصه دینی نیز این بین مدنی است که به مثابه امری عرفی و برگرفته از تجربه زیسته مردمان می‌زنند تنش مهمی در اعتلا و پیشرفت جامعه ایفا کند. اگر دین سیاسی به مثابه تکنولوژی حاکمیت‌مندی درصدد غلبه سیاست بر زندگی و پرباختن دستگ‌ها، عریض‌رطویل جهت اشاعه ارزش‌های معنوی است، در تکنولوژی حکومت‌مندی دولت تابع جامعه و امر عرفی می‌شود که نتیجه منطقی چنین رویکردی، تولد و رشد همه‌جانبه نیروهای محرکه جامعه و تولید سوژه‌های خودکفا و خودآیین در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. در عرصه دینی نیز، دین مدنی و سیاسی با عطف توجه به امر عرفی که برگرفته از تجربیات و رویکردهای متنوع و دگرگون‌شده جامعه در ادوار مختلف تاریخی است، می‌تواند ضامن شکوفایی و اعتلای جمعیت‌های فعال در جامعه جهت خودکفایی و همبستگی ارگانیک باشد. در برابر رویکردی که امر عرفی را به مثابه عرصه‌ای جهت از میان برداشتن شکاف میان سیاست و زندگی و تحقق دین مدنی و سیاست دینی تلقی می‌کند، رهیافت دیگری به پیش‌قراولی روشنفکران و احیاگرانی چون سروش و کدیور وجود دارد که درصدد ترویج سکولاریسم آن‌هم با قرائتی کاتولیسیستی است. کسانی چون سروش و کدیور بر این باورند که باید کار خدا را به خدا و کار قیصر را به قیصر واگذار کرد و درست از این رو است که به تأسی از کاتولیسیسم دیواری بتنی را میان امر دینی و امر سکولار می‌کشند. این در حالی است که اسلام به مثابه دینی سیاسی و اجتماعی که به امر عرفی و تجربه زیسته مردمان توجه ویژه‌ای دارد، هیچ نسبتی با امر سکولار، آن‌هم با قرائتی کاتولیسیستی ندارد. در قرائت کاتولیسیستی از دین که کسانی چون مجتهد شبستری، عبدالکریم سروش و مصطفی ملکیان مبلغ و مبشر آن هستند، دین به ساحت خصوصی افراد رانده می‌شود و نقش اجتماعی دین به مثابه امر عرفی نادیده

گرفته می‌شود. شایان ذکر است که اگرچه کسانی چون طالقانی و شریعتی با دین سیاسی به مثابه تسلط سیاست بر زندگی و دستگاه‌مند کردن مذهب مخالفت می‌کنند اما این مخالفت هرگز به معنای در غلتیدن شریعتی و طالقانی به قرائت کاتولیسیستی از اسلام نیست. دیدگاه کسانی چون طالقانی که به دین مدنی به مثابه امری عرفی باور دارند، شباهت بسیاری به دیدگاه اراسموس در جهان مسیحیت دارد. اگرچه اراسموس یک کشیش باورمند به مسیحیت بود، اما هرگز در مورد حذف هیچ گرایش و نحله سیاسی و مذهبی‌ای نبود. اراسموس اصلاحات مدنظر خویش را از درون کلیسا و با عنایت به امر عرفی و اخلاق اجتماعی عصر خویش دنبال می‌کرد. او، فردی آزاداندیش، دین‌دار و گشوده به تمامی عقاید و باورها بود ولی هرگز چون لوتر سودای مقابله مستقیم با اصحاب کلیسا و برانداختن کلیسا را نداشته است. ناچار به گفتن نیست که لوتر، انقلابی بنیادین در عرصه دین‌پیرایی و مقابله با اشراف، کلیسایی به وجود آورد؛ اما این نکته را نباید از نظر دور داشت که نحوه برخورد او با اصحاب کلیسا و چه با مخالفان فکری خویش بسیار خشن و حذفی بود. او را آنچه به ظاهر به اصل همه کشیشی و اجتماع آزاد مؤمنان تأکید می‌ورزید اما در مقام عمل، انسانی آزاداندیش نبود و البته در مقام نظر هم باید به این نکته مهم اشاره کرد که لوتر، از اساس، دشمن اومانیزم و سوبزکتیویسم مدرن بود و از نوعی سرنوشت از پیش مندر شده برای آدمیان صحبت می‌کرد. این در حالی است که برخلاف لوتر، اراسموس اگرچه هنوز به بنیان‌های نظام کلیسایی پایبند بود اما در مقام نظریه و عمل به تکیه بر اخلاق و سیاست مفاهمه و گفتگو با تمامی جریان‌های اومانیزتی و دین‌مدار باور داشت. علایق او نیز همچون اراسموس به نوعی جامعه پسماتافیزیکی و پساسکولار می‌انداختند. باید که متضمن تأکید نهادن بر اخلاق اتیکی و امر عرفی بود و در این وادی طی ریتی می‌کرد. طالقانی، انسانی به غایت آزاداندیش بود؛ انسانی که مواجهه‌ای نیمروزی و گشوده به تمامی جریان‌ها و نحله‌های مختلف فکری داشت. او بر این باور بود که این دمکراسی شورایی است که می‌تواند گره‌گشای مشکلات جامعه ایرانی باشد و امر عرفی به مثابه اخلاقی اجتماعی و برگرفته از تجربه زیسته و زمینه‌محور مردمان،

می‌تواند به تقویت سرمایه اجتماعی و همچنین حس مسئولیت‌پذیری و همبستگی جامعه ایرانی کمک کند. نقطه کانونی مباحث این کتاب نیز حول و حوش تفاوت‌های میان امر عرفی با امر سکولار است و راقم این سطور بر این باور است که حتی اندیشمندانی چون عبدالکریمی که سعی در غلبه بر سوژکتیویسم مترتب بر نظام اندیشگری روشنفکران دینی بعد از انقلاب دارند، به دلیل خوانشی اوتولوژیک و صابته کاتولیسیستی از امر دینی نمی‌توانند نسبت وثیقی با امر عرفی به مثابه یکی از مسأله‌های مهم دین‌داری در جامعه برقرار کنند. در این کتاب، این ایده محوری بسط و توسعه دادن شده است که در برابر دین سیاسی که در صدد دولتی کردن و دستگاه‌مند کردن دین است، چاره کار، پناه بردن به دامن الهیات پروتستان یا قرائت‌های کاتولیسیستی از دین نیست که متضمن رانده شدن دین به ساحات خصوصی هستند؛ بلکه باید به امر عرفی که البته نباید آن را با امر سکولار خلط کرد، رجعت نمود. امر عرفی، عرصه‌ای ناما‌مند، مکانمند، تاریخ‌مند و زمینه‌محور است که می‌تواند مجرا و بستر مناسبی جهت تحقق دین مدنی و سیاست دینی باشد. در تلقی دین به مثابه امر عرفی، این جمعیت‌های جامعه هستند که به مثابه سوژه‌های خودآیین، دیالکتیکی میان سوژه فردی و سوژه اجتماعی برقرار می‌کنند و جامعه مردمان را جایگزین جامعه توده‌ای می‌کنند. در این گرایش کارناوالیستی و جامعه و زمینه‌محور از دین است که دولت، کمتر حکومت می‌کند و این اعضا گونه‌گون و متکثر جامعه هستند که به عنوان چرخ‌های خودچرخ، از آن‌ها هستی وجودی خویش مراقبت می‌کنند. سیاست، در قرائت از دین به مثابه امر عرفی، سیاستی است که به تعبیر دلوز به صورتی ریزوماتیک و شبکه‌ای شکل می‌گیرد. در این سیاست شبکه‌ای، این جامعه است که به دولت فرمان می‌دهد و جامعه نیز برحسب تجربه زیسته و تاریخ‌مند خویش مدام در حال پوست‌اندازی و گشودن امکان‌ها و افق‌های تازه است. امر عرفی، عرصه جولان چشم‌اندازها و فکرهای جدیدی است که مدام در حال بازآفرینی و خلق کردن هستند. قدرت در امر عرفی، قدرت فیزیکی نیست که به صورتی عمودی و هرمی بر مردمان اعمال شود؛ بلکه قدرتی است خواهان تولید دانش‌ها، جمعیت‌ها و سوژه‌های متکثر و همچنین

صیوررت و تحول دائمی آحاد جامعه. عرصه قدرت در امر عرفی عرصه‌ای است که به زبان نیچه‌ای، در آن خواست قدرت به مثابه تصدیق زندگی و رخداد در عرصه‌های مختلف زندگی تبلور پیدا می‌کند. امر عرفی، عرصه‌ای است که در آن صداها و دانش‌های مختلف در هم می‌آمیزند و نیمروز نیچه‌ای را شکل می‌دهند؛ نیمروزی که نه به امر دینی به مثابه امری قانونمند و دستگاه‌محور می‌نگرد و نه به مثابه امری سکولار که دین را در قفس عرصه خصوصی یا عرصه اونتولوژیک محبوس می‌کند. امر عرفی، عرصه‌ای است که در آن دانش‌های تحت انقیاد به انسان می‌ایند و زندگی همچون شطرنجی بی‌انتهای گسترش می‌یابد. فضای گفت‌وگویی حاکم فرما بر امر عرفی، عرصه تحقق کثرت در عین وحدت و وحدت در عین کثرت است که کمپان قلبی گرم و مغزی سرد در دیالکتیک و دیالوگی بی‌وقفه میان عقل و دل، امری آسان را تجربه می‌کنند. پیام اصلی و محوری این کتاب، این است که دین سیاسی، دین کولاردوروی یک سکه هستند و به یکدیگر تبدیل می‌شوند؛ اما دین مدنی، مثلاً، امری نه می‌خواهد به سبک سروش و شبستری، دین را لاغر کند و نه می‌خواهد به هم چون اثلان به دین سیاسی، دین را دستگاه‌مند کند؛ بلکه در امر عرفی، دین به مثابه یک اجتماع و سیاسی، نقش مهمی در تعیین بخشی و جهت‌دهی به تحولات سیاسی و اجتماعی ایفا می‌کند. البته شایان ذکر است که نقش اجتماعی دین در عرصه سیاسی و اجتماعی، هرگز به معنای تحمیل دین به صورتی چکشی و آمرانه نیست. همان‌گونه که اثر سترگی از نویسنده بزرگ، ویکتور هوگو است، بازرس ژاور به خدایان پدید انعطاف‌ناپذیر، کورکورانه و فرمالیستی به قانون، عاقبت، قربانی وفاداری و «گرایان» و غیرمتألمانه خویش به قانون می‌شود؛ اما در عوض، این ژان والژان به مثابه تحقق عینی و انضمامی سوژه خودآیین کانتی و عقل تاریخی هگلی است که با اندام پذیر و تمسک جستن به امر عرفی، در سفری ادیسه‌وار و با قرار گرفتن در معرض انواع تناقضات و شکاف‌ها و درگیری‌های تاریخی، عاقبت به سوژه‌ای پرسشگر، نقاد و رها از تمامی قید و بندها و مرجعیت‌های عقلی، دینی و سیاسی تبدیل می‌گردد. هدف از نگارش این کتاب نیز ارائه مانیفستی است که چگونگی تبدیل انسان

مسلمان ایرانی به سوژه‌ای آزاد، پرسشگر و آبرونیک را نشان می‌دهد و بدیهی است که تنها با تمسک جستن به امر مدنی، عرفی و زمینه‌محور است که آدمیان می‌توانند خود را از تمامی امور محدودکننده برهانند و به هستی هوشمند گشودگی پیدا کنند.

www.ketab.ir